زن، انتظار، ظهور(1)

سيّده ارغوان حيدرى

كلياتى در باب مهدويت

در اين دنياى اعجاب‏انگيز و پر هياهو كه ملت‏هاى مظلوم و بى‏دفاع آماج دسيسه‏هاى شوم و سلاح‏هاى مرگبار مستكبران قرار مى‏گيرند تا آنان به اهداف پليدشان نايل گردند، اين سوال در ذهن انسان خطور مى‏نمايد كه آيا روزى فرا خواهد رسيد كه فساد و خونريزى از دنيا رخت بربندد و دنيا تحت فرماندهى منجى و مصلح جهانى قرار گرفته و صلح و عدل جهان‏گير شود؟

اين ايده و آرزو از دير باز مورد توجه جامعه انسانى بوده و اعتقاد به ظهور مصلحى بزرگ كه مرهم تمامى رنج‏هاى جانكاه بشريت است در همه اديان بروز و ظهور داشته است.

منشاء و ريشه اين اعتقاد را بطور كل مى‏توان در دو امر خلاصه نمود. اول اين كه بيدادگرى‏ها در طول تاريخ موجب گرديده انسان‏ها ظهور مصلح جهانى را براى رفع و دفع ستم ستمگران امرى اجتناب‏ناپذير بدانند تا در سايه حكومت وى به آرامش و امنيت برسند. دوم آن كه توصيه‏ها و تاكيدات اديان مختلف در زمينه مصلح كل، تقويت كننده و استحكام بخش اين عقيده و تفكر بوده است.

چرا كه، اديان بزرگ الهى چون يهوديت، مسيحيت و اسلام، و نيز ساير اديان و مكاتب الهى و غير الهى ديگر به پيروان خويش نويد موعودى را مى‏دهند كه روزى ظهور خواهد نمود و جهان را مملو از خير و نيكى خواهد كرد.

اين عموميّت در عقيده به ظهور مصلح و منجى كل، بيانگر اين نظريه است كه همه اين افكار و عقايد، برگرفته از منبع وحى مى‏باشد. علاوه بر آن فطرت انسان نيز كه خواهان صلح و آرامش و جهانى دور از پليدى است، طالب روزى مى‏باشد كه يك منجى بزرگ، نجات بخش او از گرداب بيدادگرى‏ها، جنايات، سرگردانى‏ها و ... باشد.

مطلب حائز اهميت ديگر اين كه، اعتقاد به مصلح و انتظار ظهور او، از نظر روحى و روانى براى جامعه بشرى داراى ارزشى بس عظيم است. زيرا اگر نااميدى و يأس در فردى پديد آيد و اين بيمارى از فرد به جامعه گسترش يابد، سعادت آن جامعه در معرض سقوطى حتمى قرار خواهد گرفت، اما اعتقاد به منجى موجب مى‏گردد كه معتقدان به اين باور با اميد و اطمينان به پيروزى نهايى خير و عدل، و بركنده شدن شر و بيداد، روح تلاش و سازندگى را در جامعه بدمند و سايه شوم نااميدى را از آن دور سازند و با انتظارى شورانگيز، مهياى ظهور موعود آسمانى گرداند.

عقيده به مصلح در اسلام‏

همانگونه كه گذشت، اعتقاد به مصلح، عقيده‏اى است همه گير و گسترده، اما اين عقيده تحت عنوان ظهور مهدى(عج) در عقايد اسلامى وسعت فوق العاده‏اى دارد و به عنوان يك عقيده زير بنايى شناخته شده است. چنانكه منكر آن از آئين اسلام بيرون خواهد بود. بنابر حديثى كه از طريق شيعه و سنى نقل گرديده است پيامبر اكرم (صلى‏الله عليه و آله) مى‏فرمايند:

«من كذَّبَ بالمهدى فَقَد كَفَر»؛(1) هركس مهدى را انكار كند براستى كافر است.

يا در جاى ديگر مى‏فرمايند:«مَنْ اَنكرَ الْقائمِ مِنْ وَلَدى فى‏ زَمانِ غَيْبَتِه ماتَ ميتَةَ جاهليَّة».(2)

لذا، تمامى مسلمانان اعم از شيعه و سنى به مسأله مهدويت معتقدند. و احاديث فراوانى كه از رسول گرامى اسلام(صلى‏الله‏عليه‏وآله) در باب مهدويت نقل گرديده جاى سخن را براى هيچ كس باقى نگذاشته است.

طبق گفته نويسنده شهير كامل سليمان: «مسأله مهدويت و نويد ظهور مصلح غيبى، در اسلام بسيار قديمى و ريشه دار است و اختصاص به تشيع ندارد بلكه اتصال آن بوضوح به شخص نبى اكرم(صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏باشد».(3) موضوع ظهور امام مهدى (عج) آنچنان روشن است كه علماء اهل سنّت كتب مختلفى پيرامون آن حضرت به قلم تحرير درآورده‏اند.

آقاى «على محمد على دخيل» در كتاب «الامام المهدى» جمعاً 205 كتاب از علماى سنى معرفى مى‏نمايد كه پيرامون مهدى موعود (عليه‏السلام) بحث كرده‏اند. قابل ذكر آنكه اخبار حضرت مهدى (عليه‏السلام) در قديمى‏ترين منابع سنيان آمده است. و كتب مسند احمد حنبل، صحيح مسلم، صحيح بخارى، سنن ابن ماجه، سنن ترمذى، سنن ابن ابى داوود، رواياتى در مورد امام مهدى (عليه‏السلام) نقل كرده‏اند.

امام مهدى (عليه‏السلام) در آيات قرآنى و احاديث‏

قرآن كه منبع اصيل فرهنگ، عقايد و معارف اسلامى است، حاوى آيات زيادى مرتبط با امام عصر (عليه‏السلام) و ظهور آن حضرت مى‏باشد، كه برخى از علماء و انديشمندان شيعه و سنى اين آيات را جمع آورى و تفسير نموده‏اند. كتاب «المهدى فى القرآن» 106 آيه را تنها از منابع اهل سنّت در مورد امام مهدى (عليه‏السلام) گرد آورى كرده است. دانشمند مشهور شيعى «سيد هاشم بحرانى» نيز كتاب «المحجة فيما نزل فى القائم الحجة» را درباره آيات مربوط به امام مهدى (عليه‏السلام) به تأليف درآورده است. كه به جهت اختصار از پرداختن به اين آيات معذوريم.

مطلب مهم ديگر اينكه هنگامى كه به مجموعه‏هاى حديثى كه در بردارنده روايات آل پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏و آله) است رجوع مى‏نمائيم، با انبوهى از نويدها در مورد دوازدهمين نور مقدس يعنى امام زمان (عج) و ظهور ايشان مواجه مى‏گرديم. كه اين بزرگواران در مناسبت‏هاى مختلف و موقعيت‏هاى حساس از وجود گرانمايه حضرت حجّت(عليه‏السلام) و ظهور و حكومت وى خبر داده‏اند.

در حديثى از امام حسين (عليه‏السلام) است كه فرمودند:

«اگر جز يك روز از عمر دنيا باقى نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان دراز گرداند تا مردى از اولاد من قيام كند و زمين را پر از عدل و داد نمايد، چنانچه پر از ظلم و ستم شده باشد».(4)

امام حسن عسكرى (عليه‏السلام) پدر گرامى امام عصر (عج) نيز مى‏فرمايند:

«خدا را سپاس ... كه جانشين بعد از خود را ديدم كه شبيه‏ترين مرد به رسول خدا از نظر خلقت و اخلاق است ... اوست كه زمين را پر از عدل و داد مى‏كند بعد از آنكه پر از ظلم و تجاوز و غصب شده باشد.»(5)

روايات مربوط به امام عصر (عليه‏السلام) آنقدر فراوان است كه دانشمندان شيعى در راه جمع آورى روايات مرتبط با مهدويت زحمات فراوان كشيده و كتب زيادى تأليف كرده‏اند كه آوردن نام اين كتب و صاحبان آن‏ها، خود كتاب مستقلى مى‏طلبد. اما مهمترين و جامعترين كتبى كه روايت مهدويت را گرد آورده و تأليف شده‏اند عبارتند از:

1- كتاب «المهدى» تأليف فقيه بزرگوار سيد صدرالدين صدر

2- «البرهان على وجود صاحب الزمان» تأليف مرحوم سيد محسن الامين.

3- «منتخب الاثر فى احوال الامام الثانى عشر» تأليف حضرت آيت ا... لطف ا... صافى.

عقيده به ظهور منجى انسانيت، در حقيقت با انتظار ظهور او پيوند خورده است. انتظارى حقيقى كه ايجاد تحرك و تلاش براى سازندگى دارد و با ايجاد بيدارى و آگاهى در انسان‏ها آنان را مهياى ظهور مى‏سازد.

انتظار از نظر ريشه لغوى به معناى درنگ در كار، مراقب بودن، اميد و توقع داشتن است.(6)

اما از نظر اصطلاحى، انتظار به حالت كسى گفته مى‏شود كه از وضع موجود ناراحت است و براى ايجاد وضع بهترى تلاش مى‏كند.(7)

امّا انتظارى كه اسلام معرفى مى‏نمايد و يكى از پايه‏هاى بزرگ اين دين است يعنى تحصيل آمادگى براى پذيرش قيام مهدى (عج). انتظار فرج بطور كل همه اعتقادات اساسى يك فرد مسلمان اعم از توحيد، نبوت، امامت و ديگر عقايد اسلامى را در بردارد و لذا از سوى معصومين به عنوان برترين عبادت معرفى شده است كه «افضل العبادةِ انتظارُ الفرج».(8)

حال بايد ديد فلسفه اين انتظار چيست؟ اسلام كه تعليماتش بر اساس فلسفه‏هاى عميق و صحيح اجتماعى قرار دارد براى انتظار نيز فلسفه‏اى خاص دارد و آن اينكه اصل انتظار را به عنوان پشتوانه براى بقاء جامعه اسلام قرار داده تا محرك روح فعاليت و حركت به سوى آينده‏اى بهتر براى اجتماع مسلمانان باشد. و همين عامل انتظار و اميد به آينده‏اى روشن است كه با وجود فراگير شدن كفر و الحاد و ستم، مسلمانان با ثبات قدم و ايمان مستحكم اسلام را از هر گونه گزند حفظ نموده و در اين راه از بذل جان و مال فروگذار ننمايند و با آمادگى و تلاش به سازندگى و اصلاح جامعه بپردازند اين حقيقت در سخنان معصومين نيز جلوه‏گر است آنجا كه امام سجاد (عليه‏السلام) مى‏فرمايند: «اِنْتِظارُ الْفَرجِ مِنْ اَعظم الْفَرج»؛(9) انتظار فرج خود از بزرگترين گشايش‏هاست.

و به همين دليل است كه انتظار كه شيرين‏ترين و جذاب‏ترين تفكر دينى است اثرات سازنده‏اى دارد كه در برگيرنده جنبه‏هاى مختلف زندگى يك مسلمان است. تا آنجا كه شخص را متعهد مى‏سازد براى تحقق اهداف عاليه اسلام با ايجاد روح مقاومت و ايستادگى به استقبال ظهور حق و تسلط عدالت بر جهان برود و در اين راه فداكارى نمايد.

رابطه جنسيت با نحوه انتظار

زن و مرد با وجود دارا بودن مجموعه‏اى از صفات مشترك انسانى، هر يك داراى صفات و ويژگى‏هاى خاص خويش مى‏باشند و بنابر خلقت خود هر كدام داراى تفاوت‏هايى هستند كه اين تفاوت‏ها ايجاب مى‏كند در بعضى موارد هر يك حدود و وظايف خاصى داشته باشند. ذكر اين نكته الزامى است كه زن و مرد در جوهره انسانيت هيچ تفاوتى ندارند و زمينه‏هاى رشد و تكامل براى هر دو يكسان است. اما هر كدام بر طبق خلقت خاص خود داراى تفاوت‏هاى جسمى و روحى هستند كه بر طبق اين تفاوت‏ها، وظايف خاصى كه با جنسيت آنان همخوانى دارد را به انجام مى‏رسانند اما اين تفاوت‏ها به هيچ وجه دليل بر برترى جنسى بر جنس ديگر نيست بلكه اين تفاوت‏ها عين تناسب است. و اين تفاوت‏ها با وظايف محوله با آنان تناسبى خاص دارد. انتظار فرج و شيوه آمادگى براى ظهور نيز از اين قاعده مستثنى نيست، به اين ترتيب كه چگونگى انتظار و نحوه آمادگى براى قيام مهدى موعود نيز بايد با توجه به اين تفاوت‏ها و سرمايه‏هاى خاص انسانى صورت پذيرد. البته زن و مرد هر دو در بسيارى از وظايف يك منتظر، به يك اندازه مسئولند و فقط در شكل و نحوه ايفاء اين وظايف تفاوت‏هايى دارند، به عنوان مثال مرد با آمادگى رزمى و نظامى و زن با پرورش فرزندان صالح علاوه بر ساير وظايف مشترك مى‏توانند منتظر ظهور باشند و اين در حقيقت نشانگر مكمل بودن زن و مرد در راه تحقق شرايط ظهور است.

سيماى زن منتظر

با توجه به آنچه گذشت، در بيان سيماى زن منتظر نيز بايد به تفاوت‏ها و در نتيجه نحوه عملكرد زن منتظر توجه داشت اما پيش از پرداختن به وظايف زن منتظر بايد به وظايف مشترك منتظران اعم از زن و مرد پرداخت تا با منتظران واقعى بيشتر آشنا گرديم.

در باب وظايف شيعيان در دوران غيبت سخنان بسيار گفته شده و كتب مختلف پيرامون آن تأليف گرديده و علماء دين به شرح و بسط اين وظايف پرداخته‏اند.

مرحوم حاج ميرزا محمد تقى موسوى اصفهانى در كتاب ارزشمند (مكيال المكارم) تا هشتاد وظيفه براى منتظران ذكر كرده است. از آنجا كه تبيين همه وظايف در اين محدوده نمى‏گنجد به تعدادى از مهمترين آن‏ها اشاره مى‏نمائيم:

1- تحصيل معرفت نسبت به مقام والاى حضرت ولى عصر (عج):

اولين و مهمترين وظيفه كسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام عصر است آنچنان كه در رواياتى كه از پيامبر و ائمه(عليهم‏السلام) نقل گرديده، آمده است: «مَنْ ماتَ وَ لَمْ يَعرف اِمامَ زَمانه ماتَ ميتَة جاهِلية».(10)

مؤلف كتاب مكيال المكارم مى‏فرمايد: «... شناخت امام زمان جز به دو امر حاصل نمى‏گردد: اول شناختن امام به نام و نسب، دوم شناخت صفات و خصائص او و تحصيل اين شناخت از اهم واجبات است».(11)

2- تهذيب نفس و دورى از گناهان:

در روايتى از امام صادق (عليه‏السلام) آمده است: «مَن سَرّه اَنْ يَكْون مِنْ اَصْحاب القائم فَلْينظر وَلْيَعْمل بَاْلْوَرع و مَحاسِن الْاخلاق وَ هُوَ مُنْتظِر»؛(12) هر كس دوست دارد از ياران قائم (عليه‏السلام) باشد بايد كه منتظر و پرهيزكار باشد و با اخلاق نيك رفتار نمايد و در اين حال او منتظر است.

3- دلبستگى و پيوند با مقام ولايت:

حفظ و تقويت پيوند با مقام ولايت و تجديد عهد با آن حضرت، يكى ديگر از وظايف مهم منتظران است تا با چنين عهد و پيمانى ناگسستنى براى يارى حضرتش تا پاى جان بايستند و هرگز تن به ركود و ذلّت و ظلم و بى‏عدالتى ندهند.

4- تحصيل آمادگى براى ظهور حجت حق:

يكى ديگر از اين وظايف كسب آمادگى‏هاى نظامى و غير نظامى براى يارى و نصرت امام زمان (عليه‏السلام) است.امام موسى كاظم مى‏فرمايند: «من ارتبط دابّة متوقّعاً بِه اَمْرنا و يَغيظُ به عَدّونا و هو منسوبٌ إلينا ادّراللَّه رِزْقَهُ، وَ شَرحَ صَدْرَهُ، و بَلَّغَه اَمَلَهُ و كان عوناً على حوائجه»؛(13) هر كسى اسبى را به انتظار امر ما نگه دارد و به سبب آن دشمنان را خشمگين سازد و او به ما منسوب باشد خداوند روزيش را فراخ گرداند و به او شرح صدر دهد، او را به آرزويش برساند و در رسيدن به خواسته‏هايش يارى كند. و به همين دليل بوده است كه در گذشته منتظرينى وجود داشته‏اند كه هماره با خود سلاح و اسبى داشتند كه آن را براى در ركاب امام زمان (عليه‏السلام) بودن تهيّه كرده بودند.

ذكر اين مطلب حائز اهميت است كه از آنجا كه آمادگى رزمى و نظامى، بيشتر با روحيه مردان سازگارى دارد و زنان از اين نظر معافند، بايد به گونه‏اى ديگر كه موجب رضاى خدا و امام زمان باشد براى قيام حضرت بقية ا... كسب آمادگى نمايند. بدين صورت كه زنان با ايمان و عفيف با خوب شوهردارى كردن و تربيت فرزندان شجاع و سلحشور ياران باوفايى براى امام (عليه‏السلام) بپرورانند. همچنين آنان، با تبليغ فرهنگ انتظار و دادن روحيه يارى‏گرى امام عصر(عليه‏السلام) به مردان، كسب علم و دانش و ... آماده ظهور آن مهر تابان گردند.

در قسمت آينده به ترسيم سيماى زن منتظر و وظايفى كه به عهده اوست مى‏پردازيم .

پى‏نوشت‏ها:

1) منتخب الاثر/ لطف ا... صافى/ ص 200 - روزگار رهايى/ كامل سليمان/ ج‏1/ ص 15/ به نقل از عقد الدرر ص 157

2) منتخب الاثر/ لطف ا... صافى/ ص 625

3) روزگار رهايى/ ج 1 / ص 14 / كامل سليمان

4) بحار الانوار/ علامه مجلسى / ج 51 / ص 133

5) الصراط المستقيم/ على بن يونس عاملى/ ج 2 / ص 231

6) فرهنگ روس / خليل جرّ / ج 1 / ص 337

7) تفسير نمونه / ناصر مكارم شيرازى / ج 7 / ص 381

8) بحار الانوار / علامه مجلسى / ج 52 / ص 125

9) بحار الانوار/ علامه مجلسى / ج 52 / ص 122

10) بحار الانوار / علامه مجلسى / ج 32 / ص 321

11) مكيال المكارم/ موسوى اصفهانى / ج 2 / ص 107

12) كافى/ مرحوم كلينى رازى/ ج 1 / ص 194

13) كافى/ مرحوم كلينى رازى/ ج 6 / ص 535